



## The Inadmissibility of Informal Payment and Strategies to Confront with it

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Original Research

#### Authors

Javadpour M.\*<sup>1</sup> PhD,  
Meghdadi M.M.<sup>2</sup> PhD

#### How to cite this article

Javadpour M, Meghdadi M.M. The Inadmissibility of Informal Payment and Strategies to Confront with it. Journal of Quran and Medicine. 2019;4(2):61-72.

<sup>1</sup>Jurisprudence & Fundamentals of Islamic Law Department, Humanities Faculty, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran  
<sup>2</sup>Law Department, Mofid University, Qom, Iran

#### \*Correspondence

Address: Jurisprudence & Fundamentals of Islamic Law Department, Humanities Faculty, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Golestan Highway, Farhangshahr, Ahvaz, Iran. Postal code: 6134937333  
Phone: -  
Fax: -  
javadpour89@yahoo.com

#### Article History

Received: April 04, 2019  
Accepted: May 15, 2019  
ePublished: June 20, 2019

### ABSTRACT

**Aims** One of important and considerable topics in medical jurisprudence, the amount of money is that the physician receives for his or her medical treatment; But an important issue when is that the physician or other medical staff misuses does misuse from the patient and forbids that he/she selects in a manner freely and consciously and become the relationship between the physician and the patient to the amoral and emergency relationship; The unpleasant and ominous phenomenon that is seen today in the name of stealthy; Therefore, in order to protect the rights of the patient, This article seeks to answer the question of what are the consequences and legal effects of the unofficial payment, and what are the remedies and solutions to combat this problem in the just Islamic system?

**Methods** In this study, in order to answer the research questions, it were described and analyzed based on the jurisprudents of Imamiya jurisprudence and internal rules and regulations.

**Findings** Individuals dominate their property; so according to the narrative of 'it is not permissible for a Muslim to have money except for oneself', domination and capture of the person's property without their satisfaction is forbidden.

**Conclusion** The challenging phenomenon of receive informal payment with any motivation will be accompanied by the spread of injustice and disorder in human society that is not in accordance with the Justice-centered system of Islam. Therefore, the right of claim for material and spiritual damages for patient or the patient's parents will be provided as rule of 'any money has void'. In the light of measures such as loyalty to covenant, promotion of economic culture and ethics, awareness of citizenship rights, it is possible to direct the health system on the path of correct growth and training.

**Keywords** Patient; Physician's Wage; Informal Payment; Illegitimate Property; Guarantee

### CITATION LINKS

[1] Reviewing people's opinions about informal payments to Kerman physicians [2] Informal payments in Iran: a cross-sectional study prior to implementation of the health system reform [3] Investigation of the phenomenon of bribery in medicine [4] Analysis of factors affecting the health care informal payments to physicians in public and educational hospitals affiliated Iran University of Medical Sciences [5] The ruling on extra medical money received by doctors (Kickbacks) in state medical centers from jurisprudence and law viewpoint [6] Jurisprudential rules (Al-Qawaed al-fiqhiyyah) [7] Writng of tool (Tahrir al-wasilah) [8] The eloquence of jurisconsult (Balaqat al-faqih) [9] Who is paying for health care in Eastern Europe and Central Asia? [10] Informal payments and the financing of health care in developing and transition countries [11] Understanding informal payments in health care: motivation of health workers in Tanzania [12] Qualitative study on informal payments for health services in Georgia [13] How do patient characteristics influence informal payments for inpatient and outpatient health care in Albania: results of logit and OLS models using Albanian LSMS 2005 [14] Singular words of Quran (Mofradat-o-alfaz al-Quran) [15] The balance commentary (Tafsir-e-al-mizan) [16] The light of jurisprudence (Mesbah al-feqahah) [17] The light of jurisprudence (Mesbah al-feqahah) [18] The lights of jurisprudence- buy (Anwar al-feghaha- al-bay') [19] The bright garden (Al-roza al-bahiyah) [20] The adequate principles (Usul al-kafi) [21] Tools of Shia (Wasael al-Shia) [22] Collector of rulings (Jame al- ahkam) [23] The answers to the questions (Ajvabat al-estefta'at) [24] Collector of issues (Jame al-masa'el) [25] Documentary of Shia (Mostaned al-shi'a) [26] Civil rights [27] The compensated of tools (Mostadrak al-wasael) [28] Earnings of the days (Ava'ed al-'ayyam) [29] Sales Professions (Makaseb al-bay') [30] The rules of jurisprudence [31] Jewelry of the words (Jawaher al-Kalam) [32] The ideal commentary (Tafsir-e nemooneh) [33] The light commentary (Tafsir-e noor)

## ناروایی اخذ هزینه مازاد بر تعرفه و سازوکارهای مقابله با آن

مریم جوادیپور<sup>۱</sup> PhD

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

محمد مهدی مقدادی PhD

گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران

### چکیده

**اهداف:** یکی از مباحث قابل تامل و تحلیل در عرصه فقه پزشکی، پولی است که پزشک بابت معالجه و درمان از بیمار دریافت می‌کند که در مواردی به موجب قاعده "حرمت اخذ اجرت بر واجبات" می‌تواند نامشروع تلقی شود و مهم‌تر از آن، زمانی است که این مساله مورد انتفاع‌گرایی و سوءاستفاده واقع شده و انتخاب آزادانه و آگاهانه را از بیمار سلب کند؛ پدیده‌ای که امروزه با عنوان اخذ هزینه‌ی مازاد بر تعرفه (زیرمیزی) به‌وفور مشاهده و گزارش می‌شود. از این رو به‌منظور حمایت از حقوق بیمار، این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که پیامدها و آثار حقوقی اخذ هزینه مازاد بر تعرفه چیست و تمهیدات و راه‌کارهای مبارزه با این معضل در نظام عادلانه اسلام کدامند؟

**مواد و روش‌ها:** در این مطالعه که با استفاده از روش توصیف و تحلیل محتوی انجام شد، از آیات قرآن کریم، روایات معصومین<sup>(ع)</sup>، دیدگاه فقیهان امامیه و موازین و مقررات داخلی در پاسخ به پرسش‌های پژوهش استفاده شد.

**یافته‌ها:** از آنجا که اشخاص بر اموال خویش سلطه دارند؛ پس با استناد به روایت "لا یحل مال امرئ مسلم الا عن طیب نفسه"، تسلط و تصرف فاقد طیب نفس بر مال غیر حرام است.

**نتیجه‌گیری:** پدیده پرتنش و چالشی اخذ هزینه مازاد بر تعرفه، با هر انگیزه که انجام شود، با گسترش بی‌عدالتی و بی‌نظمی در جامعه بشری همراه خواهد بود که در نتیجه با نظام عدالت‌محور اسلام همسو نیست؛ از این رو، حق مطالبه خسارت مادی و معنوی برای بیمار یا اولیای وی با عنوان "اکل مال به باطل" فراهم می‌شود که در پرتو تمهیداتی نظیر وفای به عهد، ارتقای فرهنگ و اخلاق اقتصادی و آشنایی نسبت به حقوق شهروندی، می‌توان نظام سلامت را در مسیر رشد و پرورش صحیح هدایت نمود.

**کلیدواژه‌ها:** بیمار، اجرت پزشک، هزینه مازاد بر تعرفه، مال نامشروع، ضمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۵

نویسنده مسئول: javadpour89@yahoo.com

### مقدمه

یکی از مباحث مهمی که امروزه مهم‌تر از پیش بر گستره حقوق بیمار سایه افکنده است، رعایت اصل عدالت در ارتباط پزشک با بیمار است؛ چرا که از یک سو، بیمار با اراده‌ای آزاد و آگاه به پزشک مورد نظرش اجازه می‌دهد که با مهم‌ترین ابعاد وجودی او، یعنی سلامت جسمی و روانی‌اش در ارتباط باشد و از دیگر سو، به‌دنبال این ارتباط، حقوق و تکالیف طرفین ترسیم می‌شود؛ به گونه‌ای که در این میان بیمار ناگزیر به پرداخت مبلغی به‌عنوان حق‌الزحمه در قرارداد درمان برای برطرف کردن بیماری و کسب سلامت خویش است.

اما متأسفانه آنچه باعث نگرانی است رابطه مالی میان بیمار و پزشک یا دیگر کارکنان جامعه پزشکی است که برخی اوقات در معرض

آسیب و سوء استفاده قرار می‌گیرد؛ لیکن نه‌تنها انتخاب آزادانه و آگاهانه را از بیمار سلب می‌نماید، بلکه آن را در مسیر اضطراب و حتی اکراه در پرداخت مبلغی مازاد بر تعرفه‌های معین‌شده، سوق می‌دهد که منجر به رشد بی‌رویه پدیده‌ای ناخوشایند و معضلی به‌نام پرداخت غیررسمی یا زیرمیزی شده که بی‌شک از مصادیق فساد در نظام سلامت است.

از این رو، طی مطالعه‌ای در یکی از بیمارستان‌های شهر کرمان، نزدیک به ۷۰٪ مصاحبه‌شدگان اطلاعات کافی در مورد پرداخت غیررسمی یا پول زیرمیزی داشتند. از دیدگاه این افراد، اگر بیمار با رضایت خویش و بدون درخواست قبلی پزشک، پول یا هدیه‌ای به پزشک تقدیم کند، مورد قبول است و در عوض، مطالبه پول از سوی پزشک، به‌ویژه قبل از ارائه خدمت از دید عموم آنان غیرقابل قبول بود. ۸۷٪ مردم از مراجع ذی‌صلاح رسیدگی به شکایات مردم در خصوص پول زیرمیزی اطلاعی نداشتند و فقط ۷/۱۸٪ آنان به اثربخشی شکایات امیدوار بودند<sup>[۱]</sup>.

براساس قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، با استناد به بند "ت" و "ث" ماده ۷۰، عقد قرارداد و هر گونه پرداخت مازاد بر تعرفه تعیین‌شده برای خدمات تشخیصی، بهداشتی و درمانی مشمول بسته بیمه پایه سلامت توسط شرکت‌های بیمه تجاری و صندوق‌های بیمه پایه با اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان ممنوع اعلام شده است. افزون بر آن، کلیه پزشکان و پیراپزشکان، موسسات و مراکز ارائه‌دهنده خدمت، دارو و کالاهای سلامت در کشور اعم از دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، خصوصی و خیریه موظفند ضمن رعایت تعرفه‌های مصوب دولت از خطمشی‌های مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبعیت نمایند. دریافت هر گونه وجه مازاد بر تعرفه مصوب دولت، توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسات و مراکز ارائه‌دهنده خدمت، دارو و کالاهای سلامت، حسب مورد مشمول مجازات قانونی مربوطه است.

اما از آنجا که زیرمیزی (پرداخت غیررسمی و نامتعارف) با انگیزه‌های مختلفی از سوی پرداخت‌کنندگان (دریافت خدمات باکیفیت‌تر و غیره)، و نیز با بهانه‌هایی از سوی دریافت‌کنندگان (پایین‌بودن دستمزدها و تعرفه‌ها و غیره)، همچنین ضعف‌های ساختاری و نظارتی نظام سلامت صورت می‌گیرد و در نتیجه با عواقب جبران‌ناپذیر و نیز گسترش بی‌عدالتی و بی‌نظمی در جامعه همراه است، بدین‌سان ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر به‌خوبی نمایان می‌شود. البته تحقیقات متعددی از بُعد فقهی یا اخلاقی و اندکی حقوقی در خصوص اجرت پزشک و پدیده زیرمیزی سامان یافته است<sup>[۲-۵]</sup>، اما خلأ پیشینه پژوهش نشان از آن دارد که پرداختن به موضوع حمایت از حقوق بیمار در خصوص هر گونه پرداخت هزینه غیررسمی و مازاد بر تعرفه، به‌ویژه ضمان ناشی از آن، به شکل مطلوبی تبیین نشده و تنها به حکم زیرمیزی بسنده شده است و بی‌تردید به‌منظور آشنایی بیمار با حقوق خویش و آکاوای افزون‌تری را در این زمینه می‌طلبد.

ذکر است که مواردی نیز سالب حکم و جوب هستند، نظیر زمانی که بیمار تمایل به عمل زیبایی نسبت به عضو از اعضای بدن خود دارد.

اما از آنجا که بعضی اعمال مستلزم دریافت حق الزحمه بوده و در عین حال حکم و جوب نیز بر آنها حمل می‌شود، فقیهان در تعلق گرفتن حق الزحمه نسبت به این دسته با استناد به قاعده مشهور و معروف فقهی "حرمت اخذ بر واجبات؛ یعنی هر آن چیزی که فعلش بر مکلف واجب است، اکتساب به آن نیز حرام است" دیدگاه متفاوتی ارائه داده‌اند؛ به گونه‌ای که جمع زیادی معتقدند گرفتن اجرت بر واجبات مطلقاً جایز نیست. حتی مولف "ریاض المسایل" و نیز "جامع المقاصد" بر عدم جواز گرفتن اجرت بر واجبات ادعای اجماع کرده‌اند. در مقابل عده‌ای بر این باورند که در برابر انجام واجبات، گرفتن اجرت مطلقاً جایز است. برخی دیگر نیز بین واجب تعبدی (با قصد قربت) و توصلی (بدون قصد قربت) یا بین واجب کفایی و عینی قایل به تفصیل شده‌اند. در مقابل، دیگر فقیهان بر این باورند که در واجب کفایی توصلی، گرفتن اجرت جایز است و در غیر آن جایز نیست<sup>[6]</sup>.

بدین‌سان اشکال مطرح می‌شود که حرفه‌هایی نظیر طبابت که قوام نظام جامعه به آنها وابسته است، واجب کفایی هستند، چون اقامه نظام جامعه واجب است، بلکه بعضی حرفه‌ها هنگامی که منحصرأ در توان یک نفر باشد، بر برخی مکلفین واجب عینی است؛ با این که جواز اخذ اجرت بر آنها جای بحث و شبهه ندارد؛ همچنین لازم می‌آید که اخذ اجرت بر طبیب در مقابل طبابت حرام باشد؛ چرا که بر او واجب کفایی یا عینی است.

در مقام حل اشکال، عده‌ای از فقیهان اظهار کرده‌اند که بر پایه شهرت و سیره معصومین<sup>(ع)</sup> گرفتن اجرت بر واجبات نظامیه (واجباتی که برپایی و نظام شهرها و انسان‌ها به آنها بستگی دارد و اگر چنین اموری که حفظ نظام متوقف بر آنهاست، واجب نباشند، اختلال در زندگی انسان‌ها و اخلال در نظام اتفاق می‌افتد) جایز است. در واقع تمام واجبات نظامیه، جز در موارد شاذ و نادر، توصلی‌اند و مانعی از اخذ اجرت در برابر آنها نیست. افزون بر آن، بنای عرف متشرعه نیز بر اخذ اجرت و پرداخت آن در مقابل انجام عمل پزشکی و درمان است، البته نه در حضور پزشک، بلکه با حضور او اجرت بیشتر خواهد شد<sup>[6-8]</sup>.

### تحلیل ماهیت پدیده اخذ هزینه مازاد بر تعرفه

همان‌گونه که برابری در مقابل قانون و رعایت حقوق یکدیگر در پرتو عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد، نقطه مقابل آن، یعنی حق دیگری را گرفتن و به خود اختصاص دادن یا حق دیگری را گرفتن و به دیگری دادن و نیز تبعیض قایل‌شدن، فاصله‌گرفتن از عدالت اجتماعی است که باید از آن جلوگیری شود. امروزه یکی از مصادیق نقض عدالت اجتماعی، پدیده اخذ هزینه مازاد بر تعرفه است که به‌عنوان مسایل مهم و پرتنش در رابطه مالی پزشکان یا دیگر فعالان حیطه پزشکی و پیراپزشکی با بیماران مطرح است و با نام‌هایی

بنابراین نوشتار پیش رو به‌صورت یک مطالعه پژوهشی و با روش توصیف و تحلیل محتوای کیفی بوده که اطلاعات لازم به‌صورت اسنادی جمع‌آوری و به شیوه واکاوی و تحلیل منابع و نظریات معتبر فقهی، حقوقی و اخلاقی انجام پذیرفته است و در پی پاسخ به این پرسش است که با استناد به آموزه‌های دینی، دیدگاه فقیهان امامیه و موازین و مقررات داخلی، پیامدها و آثار حقوقی پدیده اخذ هزینه مازاد بر تعرفه چیست و تمهیدات و راه‌کارهای مبارزه با این معضل در نظام عدالت‌محور اسلام کدامند؟

این نوشتار معطوف به بازپژوهی این مهم است که اشخاص بر اموال خویش مسلط هستند؛ لیکن تسلط و تصرف بر مال غیر تنها با وجود طیب نفس امکان‌پذیر است و در غیر این صورت به لحاظ شرعی حرام است؛ بنابراین دریافت هر گونه وجه غیرقانونی از بیمار، حتی با رضایت وی نامشروع است و در برخی موارد از مصادیق رشوه محسوب می‌شود، اما در مجموع تحت عنوان "اکل مال به باطل و دریافت مال نامشروع" بوده؛ لیکن پزشک یا دیگر فعالان امر پزشکی در مقابل بیمار یا اولیای او ضامن هستند، ضمن آن که گستره حقوق بیمار نه‌تنها نسبت به عین مال، بلکه به منافع مستوفات و غیرمستوفات آن نیز تسری می‌یابد؛ از این رو، در پرتو وفای به عهد و ارتقای فرهنگ و اخلاق اقتصادی و آشنایی تدریجی به حقوق شهروندی می‌توان نظام سلامت را در مسیر رشد و پرورش صحیح هدایت نمود.

بدین‌سان، چارچوب بحث در ذیل چهار قالب استقرار می‌یابد؛ ابتدا به معرفی و تبیین اجمالی اجرت در امور پزشکی به‌عنوان سنگ بنای رابطه مالی میان پزشک و بیمار پرداخته می‌شود. سپس پدیده نوظهور و رو به پیشرفت اخذ هزینه مازاد بر تعرفه (زیرمیزی) و نیز دلایل و پیامدها و آثار حقوقی آن تحلیل می‌شود؛ آن‌گاه به‌منظور جلوگیری و مقابله با این معضل، تمهیدات و راه‌کارهایی کارآمد و منسجم، بر پایه آموزه‌های اسلامی ارائه می‌شود.

### گستره حکمی اخذ اجرت در امور پزشکی

یکی از اصولی که در آموزه‌های اسلامی مورد توصیه موكد قرار گرفته، لزوم حفظ حیات و مراقبت از سلامتی انسان است که امری واجب بوده و سهل‌انگاری و غفلت از آن نهی شده است؛ به گونه‌ای که خداوند در سوره مبارکه بقره آیه ۱۹۵ می‌فرماید: "وَ لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید". از این رو، به تبعیت از آیه شریفه، درمان بیمار نیز از جمله مشاغلی است که با هدف محافظت از انسان، حکم و جوب بر آن حمل می‌شود؛ لیکن با توجه به شرایط مختلف می‌تواند واجب عینی یا کفایی باشد. در واقع برخی موارد نجات جان بیمار منحصر به درمان توسط پزشک خاصی است یا پزشک دیگری در زمینه بیماری او وجود ندارد. بنابراین انجام عملیات پزشکی بر پزشک، واجب عینی است. در حالی که برخی موارد نجات جان بیمار به‌صورت عام بر همه پزشکان واجب است و اگر یک نفر این مسئولیت را به انجام برساند از عهده دیگران ساقط می‌شود؛ یعنی این مهم واجب کفایی است<sup>[6]</sup>. البته شایان

از این رو، به منظور رفع و ممانعت از تداوم آن و گسترش فساد اخلاقی میان جامعه پزشکی، این پرسش مطرح می‌شود که در بینش فقهی و حقوقی، پدیده مزبور چه عنوانی دارد و از چه قلمرو مصداقی برخوردار است؟

آنچه در این باره در آموزه‌های شریعت اسلامی ارایه شده و احکام آن به روشنی تبیین شده است، سالم‌سازی ارتباط مالی میان اشخاص است. در این میان می‌توان به آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره اشاره نمود، آنجا که خداوند می‌فرماید: "وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ؛ اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و ناحق نخورید." در واقع معیار تصرف و دارا شدن در اسلام، تصرفی است که حلال و مباح شناخته شده باشد و تصرفات و دارا شدن خارج از این محدوده را باطل معرفی نموده است که با الهام از آیه شریفه، در فقه اسلام قاعده‌ای با عنوان "اکل مال به باطل" استنباط می‌شود. حال واژه "اکل" از حیث لغت‌شناسی به معنی خوردن غذا است [14].

در واقع مراد از "اکل"، گرفتن اموال مردم یا مطلق تصرف در آن است که به گونه‌ای مجازی، خوردن مال مردم نامیده می‌شود، برای این که آدمی از نخستین روز پیدایشش، اولین حاجتی که احساس می‌کند و اولین عملی که بدان مشغول می‌شود، تغذیه است. پس نخستین تصرفی که در مال احساس می‌کند، همان خوردن است و به همین جهت هر قسم تصرف و گرفتن و به‌ویژه در مورد اموال، خوردن مال را در بر دارد [15].

واژه "اموال" جمع "مال" است و به معنی هر چیزی بوده که مورد رغبت انسان‌ها قرار بگیرد و بخواهند مالک آن شوند. در واقع به لحاظ رغبت یا احتیاج، بتوان آن را مورد داد و ستد قرار داد. گویا این واژه از مصدر "میل" گرفته شده، چون مال، چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل است [15].

افزون بر آن، واژه "باطل" در مقابل "حق" به کار می‌رود؛ یعنی امری که به نحوی ثبوت داشته باشد. پس باطل چیزی است که ثبوت ندارد و علت این که حکم نخوردن مال به باطل، مقید به قید (بینکم) شده است، بر این مهم دلالت دارد که مجموعه اموال دنیا متعلق به مجموعه مردم دنیا است، منتها خداوند باری تعالی از راه وضع قوانین عادلانه، اموال را میان افراد تقسیم کرده تا مالکیت آنان به حق تعدیل شود و در نتیجه ریشه‌های فساد قطع گردد که در واقع تصرفات بیرون از آن قوانین هر چه باشد، باطل است. همچنین دلیل اضافه نمودن اموال به ضمیری که به مردم برمی‌گردد (اموالتان) برای این بوده است که اصل مالکیت را که جامعه انسانی بر آن مستقر شده، امضا کرده و محترم شمرده باشد [15].

البته شایان ذکر است که از دیدگاه فقهی، باطل به دو نوع تقسیم می‌شود؛ باطل شرعی، یعنی تمامی آنچه در شرع مقدس، نامشروع، حرام و به بطلان آن تصریح شده است و باطل عرفی، یعنی هر آنچه عرف و خردمندان آن را ناپسند و قبیح بدانند. لیکن برخی فقیهان معتقدند که آیه حرمت "اکل مال به باطل" بیانگر باطل شرعی است، نه باطل عرفی. پس هر آنچه در شرع و به موجب آیات و روایات بدان تصریح شده، مشمول قاعده مزبور است [16]. لیکن واژه "باطل"

نظیر پرداخت‌های غیررسمی یا نامتعارف و زیرمیزی نیز از آن یاد می‌شود. در واقع هر گونه پرداخت به اشخاص یا موسسات ارایه‌کننده خدمت در قالب پول نقد یا هدیه خارج از مجاری پرداخت‌های رسمی یا پرداخت بابت خرید دارو و تجهیزات پزشکی توسط بیماران یا اعضای خانواده آنها که تهیه آن بر عهده سیستم مراقبت سلامت دولتی و واحد ارایه‌کننده خدمت باشد. البته شایان توجه است که خرید داوطلبانه دارو و تجهیزات از بخش خصوصی در زمره پرداخت‌های غیررسمی قرار نمی‌گیرد [9].

از این رو، باید اذعان داشت که پرداخت‌های خصوصی به پزشکان، پرستاران و دیگر کارکنان بهداشتی، اساساً یک بازار غیررسمی و نامتعارف برای مراقبت‌های بهداشتی است که در داخل شبکه‌های خدمات بهداشتی-درمانی عمومی صورت می‌گیرد. این هزینه‌ها نیز خارج از کنترل‌های مالی، ختم‌شی سیاست‌گذاری و ممیزی سیستم‌های مراقبت از سلامت کشور است [9] و پیامدهای نامناسبی را هم در پی دارد.

افزون بر آن، زیرمیزی در زمره مبالغی محسوب می‌شود که برخی با زیاده‌خواهی و سوء استفاده از جایگاه حساس خویش و در عین حال خارج از چارچوب قانونی، از بیماران مطالبه می‌کنند و معمولاً به صورت پنهانی و بدون دریافت رسید و خارج از دریافت‌های متعارف و هزینه‌های مصوب انجام می‌شود. نکته شایان توجه این که متاسفانه قبح و پنهانی بودن آن به مرور زمان کم‌رنگ شده و در زمان حاضر بدون هیچ ابایی به‌وضوح مشاهده می‌شود و به بهانه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. معمول بیماران هدفشان این است که پرداخت غیررسمی را به‌منظور جلوگیری از نوبت، دریافت خدمات بهتر و با کیفیت بالاتر، دسترسی راحت‌تر به خدمات، مراقبت بیشتر و ایجاد رابطه با پزشکان یا کارکنان دیگر سلامت به‌منظور تضمین پاسخ به‌موقع کارکنان در صورت نیاز به خدمات در آینده انجام دهند. از دیگر سو، بودجه پایین سازمان‌های ارایه‌دهنده سلامت و حقوق کم کارکنان نیز زمینه تحقق این معضل را تسهیل می‌بخشد، آن‌گاه به‌عنوان یک ابزار جمع‌آوری بودجه اضافی برای سازمان‌های سلامت به‌طور عام و پزشکان به‌طور خاص است [10]. از این رو، هرچند در ایران اطلاعات دقیقی در مورد پرداخت زیرمیزی وجود ندارد و مطالعه کاملی در این زمینه صورت نپذیرفته است، اما واقعی نبودن تعرفه‌های پزشکی و پرداخت‌های ناکافی بیمه‌ها، زمینه اعمال سلیقه پزشکان را برای افزایش تعرفه‌ها فراهم نموده است [2].

گفتنی است پرداخت زیرمیزی می‌تواند تأثیرات منفی متعددی به‌دنبال داشته باشد؛ به گونه‌ای که باعث کاهش عدالت در دسترسی به خدمات، کاهش استفاده از خدمات سلامت، حس ناامیدی در افراد کم‌درآمد نسبت به تقاضای خدمات بهداشتی، کاهش انگیزه در ارایه‌دهندگان خدمت برای ارایه خدمات باکیفیت در برابر هزینه‌های قانونی، ازدست‌دادن اعتماد به نفس در کارکنان بهداشت که پرداخت‌های پول زیرمیزی را به دیگران شاهد هستند، ایجاد فساد در بخش سلامت به‌دنبال مخفی‌کاری و ایجاد روابط ناسالم مالی و ارایه تصویر و اطلاعات نادرست در مورد هزینه‌های بیماری است [11-13].

اختکار و داراشدن بلاجهت) را نیز دربردارد. از این رو، هر گونه استفاده و تصرف در اموالی که به صورت ناحق و نامشروع باشد، در قلمرو "اکل باطل" قرار می‌گیرد و تنها موضوعات شرعی را در بر ندارد، بلکه دارای شمول و گستردگی بوده است و تمامی درآمدها و معاملات نامشروع و باطل را دربرمی‌گیرد، خواه در حیطه باطل شرعی یا عرفی قرار بگیرد.

از این رو، در رابطه بیمار با پزشک یا دیگر کارکنان جامعه پزشکی، هزینه‌هایی نظیر حق معاینه (ویزیت)، بستری، جراحی و دارو، اگر خارج از تعهد شرکت‌های بیمه و فراتر از تعرفه‌های اعلامی باشد، محل ایراد است. همچنین است مبالغی که با نام هدیه یا شیرینی و به بیان بهتر در لسان عرف به نام "زیرمیزی" پرداخت می‌شود و در واقع بیمار هنگامی که با نوبت‌دهی دیرهنگام پزشک مواجه می‌شود، یا نیاز دارد که پزشک خاصی او را تحت درمان قرار دهد یا با کمبود دارویی در داروخانه‌ها مواجه می‌شود، مجبور به پرداخت این مبالغ غیرقانونی و نامتعارف برای خروج از شرایط اضطراری می‌شود. بنابراین اگر پزشکی از چنین شرایط اضطرارگونه به نفع خود استفاده کند و بیمار را به قطع درمان تهدید نماید، می‌توان اذعان داشت که بیمار در پرداخت این مبالغ دچار اکراه شده است. حتی به‌وفور ملاحظه می‌شود که برخی پزشکان، درمان تضمینی را به بیمار القا می‌کنند، با این توجیه که دقت و وقت بیشتری می‌گذارد یا کار اضافه‌تری انجام می‌دهد و غیره، هر چند این توجیه نه‌تنها در مشاغل پزشکی، بلکه در دیگر مشاغل نیز نتیجه قطعی و صددرصدی به‌دنبال نخواهد داشت.

بنابراین زیرمیزی می‌تواند از موارد "اکل مال به باطل" باشد؛ یعنی مالی که از راه حرام و بدون رضایت باطنی شخص و بدون استحقاق واقعی از افراد گرفته می‌شود. البته در این گونه موارد زیرمیزی به یکی از مصادیق مهم اکل مال به باطل به‌نام "رشوه" تعبیر می‌شود، البته رشوه‌ای که برای رسیدن به امر مباح و حلال یا رسیدن به حق اعمال می‌شود. از این رو، برخی فقیهان بر این باورند این نوع رشوه که برای رسیدن به حق قانونی است، بر رشوه‌دهنده جایز و بر گیرنده آن حرام است [7, 22]. در حالی که عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود و توهّم اضطرار، جوازی برای انجام این کار نیست [23].

البته برخی نیز رشوه را با هدیه در یک راستا می‌پندارند، در حالی که هدیه خیرخواهانه و به قصد قربت یا به قصد دوستی با هدیه‌گیرنده به‌کار می‌رود، در صورتی که رشوه بذل چیزی است که به قصد جلب توجه و متمایل کردن گیرنده، به‌منظور این که به نفع دهنده حکم کند یا او را بر ظلم و معصیت یاری نماید، استعمال می‌شود [24]. گفتنی است به موازات آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره که به‌صورت عام و مطلق به یکی از مصادیق "اکل مال به باطل" یعنی رشوه اشاره نموده است، در سوره نساء آیه مبارکه ۲۹ ضمن نهی از خوردن اموال

بر هر چیزی که شارع آن را مباح ندانسته، اطلاق می‌شود؛ اعم از غصب، سرقت، خیانت، عقود فاسده نظیر عقود مشتمل بر ربا یا بر فساد و باطل بودن آنها و هر چیزی که توسط عقد، باطل نشده باشد؛ مانند قمار، اجر و مزد زناکار و شراب‌خوار [17]. این در حالی است که برخی دیگر فقیهان معتقدند که اگر مراد از باطل تنها باطل شرعی (واقعی) باشد، حرمت "اکل مال به باطل" تنها به چند مورد که در شرع بیان شده است، محدود می‌شود؛ در نتیجه بسیاری از موارد را دربرنمی‌گیرد؛ در صورتی که "باطل" دارای معنی و مفهوم عام و وسیعی است که تنها به مصادیقی خاص محدود نمی‌شود؛ پس در جایی که مورد بطلان یا عدم بطلان امری از شرع مقدس نص یا مصادیقی نباشد، برای تشخیص و فهم "باطل" به عرف مراجعه می‌شود [18].

از این رو می‌توان اذعان داشت که "باطل"، یعنی هر آنچه به ناحق و بدون جهت و بی‌اساس باشد و در تشخیص مصادیق آن ابتدا به باطل شرعی رجوع می‌شود و چنانچه با مسایل جدید و مستحدثه‌ای برخورد نمودیم، ملاحظه و تطبیق مصادیق ناحق و باطل بر مبنای عرف فراهم می‌شود. بنابراین هر تصرفی یا داراشدنی که مطابق با شرع نباشد یا خلاف عمل در عرف بود، باطل و غیرقانونی است. از این رو، قاعده حرمت "اکل مال به باطل"، هر گونه تجاوز، تقلب، غش، رباخواری، معامله‌ای که ارکان و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه و هر گونه زیاده‌خواهی و تملکی که خارج از چارچوب داد و ستد متداول و رضایت‌مندانه باشد را در بر می‌گیرد.

به هر روی، استناد فقیهان به قاعده "اکل مال به باطل" موارد مختلفی را در بر می‌گیرد که یکی از این موارد، خوردن مال دیگری بدون مجوز است که باطل و حرام می‌باشد [19].

بدین‌سان از اصول بنیادین شریعت اسلام این است که رزق و روزی از راه کسب حلال حاصل شود؛ امری که وجوب آن بر همه مسلمانان ثابت است. خداوند در سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۸ می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاک است بخورید و از راه شیطان پیروی نکنید، چون او دشمن آشکار شما است". حضرت رسول (ص) نیز در این باره فرموده‌اند: "خوشا به حال کسی از مومنین که مالی- بدون گناه و خلاف‌کاری- به دست آورد و در راهی- به دور از گناه و خلاف‌کاری- صرف کند و با آن مال نیاز نیازمندان را نیز برطرف سازد" [20]. افزون بر آن، امام‌صادق (ع) می‌فرمایند: "روزی پاک و پاکیزه همان است که از راه حلال به دست آوری" [21].

به هر روی می‌توان گفت که نه‌تنها واژه "اکل" شامل تمامی تصرفات مالکانه و انتفاعات می‌شود، بلکه واژه "مال" مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که شامل تمامی اعیان، منافع و حقوق مالی می‌شود. همچنین واژه "باطل" هر آنچه اعم از مال یا فعالیتی که بنا بر نظر شرع و عرف بی‌اساس و به ناحق باشد (اعم از ربا، رشوه، کم‌فروشی،

به باطل، خداوند می‌فرماید: "إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ؛" یعنی در دنباله آیه شریفه، استثنای بر باطل را معامله‌ای معرفی فرموده است که ناشی از رضایت طرفین باشد، البته رضایت به معنی اختیار یا طیب نفس است که در مکره یافت نمی‌شود. همان گونه که نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> فرمودند: "برای مومن تصرف در مال برادر ایمانی‌اش حلال نیست، مگر آن که با طیب خاطر و رضای باطن صاحب مال باشد"<sup>[21]</sup>.

اما در برخی موارد انسان در شرایط اضطرارگونه‌ای به سر می‌برد که با استناد به دیدگاه فقیهان عمل مضطر در حالت اضطرار حمل بر جواز شناخته شده است و در واقع از شمول ادله اکراه خارج است<sup>[25]</sup>.

البته به استناد حدیث "رفع"، توبیخ و سرزنشی متوجه مضطر و مکره نیست؛ پیامبر<sup>(ص)</sup> در این باره فرمودند: "از امت من نه چیز برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، آنچه که به آن اکراه شوند، آنچه را که توانایی انجام‌دادنش را ندارند، آنچه به آن مضطر شوند و..."<sup>[21]</sup>. لیکن تفاوت در این است که اضطرار موجب فساد اختیار و اراده مضطر نمی‌شود و از این رو عمل حقوقی صادر شده از وی صحیح و نافذ است؛ اما مکره اراده و اختیارش توسط تهدید شخص دیگر محدود شده است. بدین‌سان در ماده ۱۹۹ قانون مدنی مقرر شده است: رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه، موجب نفوذ معامله نیست. در صورتی که به موجب ماده ۲۰۶ قانون مزبور، اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. به هر روی، اگرچه بیماری علتی درونی و مربوط به شخص بیمار است؛ لیکن اگر از سوی سودجویان به‌عنوان عاملی برای تهدید وی استفاده شود، می‌تواند از مصادیق اکراه تلقی شود.

### آثار و پیامدهای حقوقی اخذ هزینه مازاد بر تعرفه

مساله دریافت هزینه مازاد بر تعرفه‌های درمانی اعم از هزینه‌های مربوط به حق معاینه (ویزیت)، بستری، عمل‌های جراحی، تعرفه‌های پرتودرمانی (رادیوتراپی)، تعرفه‌های آزمایشگاهی و غیره، یکی از شایع‌ترین مسائلی است که همواره بیماران یا همراه ایشان در سیستم دولتی و خصوصی، با آن درگیر هستند؛ یعنی عمل نکردن به آنچه در رابطه پزشک یا دیگر فعالان پزشکی و پیراپزشکی با بیمار مورد تعهد واقع شده است؛ لیکن به‌عنوان معضلی قلمداد می‌شود که با مسئولیت حقوقی همراه خواهد بود که البته در این گونه مباحث، بیماران آگاهی لازم را نداشته و به‌راحتی حقوقشان تضییع می‌شود.

بدیهی است که هرگاه در اثر اقدام زیان‌بار یا تصرف در مال یا بدن دیگری، خسارت و ضرری پدیدار شود، طبق قواعد عام ضمان (اتلاف، لاضرر و ضمان ید)، جبران آن بر عهده مسئول (عامل زیان) قرار می‌گیرد؛ لیکن اگر این الزامات بدون رابطه قراردادی حاصل شود، مسئولیت غیرقراردادی یا ضمان قهری شکل می‌گیرد؛ یعنی مسئولیت به انجام امری یا جبران زبانی که کسی در اثر عمل خود

به دیگری وارد آورده است. بدین‌سان، هرگاه شخص به طریق غیرقانونی و بدون آن که علت مشروع موثری موجود باشد، مالی را به دست آورد، همان مصداق "اکل مال به باطل" است که از آن، گاه به داراشدن غیرعادلانه یاد می‌شود<sup>[26]</sup> که مستلزم ایجاد ضمان است و در این رابطه می‌توان به یکی از قواعد مشهور فقهی، یعنی قاعده "ضمان ید" اشاره شود. مدرک و مستند روایی قاعده، حدیثی مشهور از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> است که می‌فرمایند: "علی الید ما أخذت حتی توذی؛ بر دست است آنچه را گرفته تا وقتی که آن را ادا کند"<sup>[27]</sup>. برخی فقیهان بر این باورند که به موجب حدیث مزبور، وقتی انسان بر مال دیگران تصرف می‌یابد یا به تعبیر دیگر بر آن استیلا پیدا می‌کند (بدون اذن و غیرامانی)، عهده وی مشغول می‌شود و چون عهده به معنی ذمه است و عین خارجی نمی‌تواند در ذمه قرار بگیرد؛ پس وجود اعتباری آن مورد نظر است که در ذمه قرار می‌گیرد و بعد از آن که در ذمه قرار گرفت، فرد مشغول‌الذمه باید از عهده آن برآید. حال در فرض وجود مال، لازم است پرداخت عین به شکل سالم به صاحبش برگردد و اگر تلف شود یا به هر جهتی برگرداندن عین ممکن نباشد، برآمدن از عهده و برائت ذمه با پرداخت مثل یا قیمت محقق می‌شود و باید مثل یا قیمت مال به صاحبش داده شود<sup>[6]</sup>. در مقابل تفسیر مزبور برخی دیگر معتقدند تا زمانی که عین باقی است، کسی که آن را گرفته، ضامن است و باید آن را به صاحبش برگرداند<sup>[28]</sup>. لیکن به نظر می‌رسد این حدیث شریف بر دو امر دلالت دارد؛ یکی وجوب رد فوری عین مال دیگری است و دوم حکم وضعی ضمان در صورت نقص یا تلف مال دیگری. از این رو، در ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر شده که غاصب باید عین مال مغضوب را به صاحب آن رد نماید و اگر عین، تلف شده باشد، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به‌علت دیگری رد عین ممکن نباشد، باید بدل آن را بدهد.

در این مجال، پرسش مطرح می‌شود که آیا ضمان ید منحصر به عین مال است یا استیلا بر مال غیر موجب ضمان متصرف نسبت به منافع عین در زمان تصرف هم می‌شود، تا در نتیجه آن بتوان افزون بر استرداد مبالغ زیرمیزی، منافع آن در مدت تصرف نامشروع گیرنده را نیز مطالبه نمود.

مشهور فقیهان امامیه در مورد منافع مستوفات (منافعی است که شخص پس از استیلا بر مال دیگری از آن بهره‌مند می‌شود) و غیرمستوفات (منافع ممکن‌الحصول که شخص متصرف با استیلائی خود بر مال، بهره‌برداری از آن را از مالک سلب کرده و خود هم بهره‌مند نشده است) خواه مغضوب و خواه غیرمغضوب، قایل به ضمان هستند<sup>[29]</sup>. مستند ایشان نسبت به ضمان منافع، اعم از مستوفات و غیرمستوفات، عموم قاعده ضمان ید (علی‌الید) است؛ زیرا منافع عموماً مال محسوب می‌شوند و در نتیجه عین، تحت سلطه و استیلائی متصرف قرار می‌گیرند و بنابراین در عهده متصرفند و باید به صاحبش برگردانده شوند، خواه استیفا شده یا استیفا نشده باشند. از دیگر سو، "تفویت منافع" مستند به عمل شخص متصرف است؛ بنابراین از طریق استناد به قاعده اتلاف یا تسبیب قابل مطالبه

مالی میان پزشکان یا فعالان امر پزشکی و پیراپزشکی دریافت هر گونه مبلغی با هر نامی، همچون هدیه، پاداش و غیره به‌عنوان اکل مال به باطل و ایفای ناروا بوده که مسئولیت مدنی را در بر خواهد داشت.

بدین‌سان، ماده نخست قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: "هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است."

بدیهی است از آنجا که زیرمیزی از مصادیق تحصیل مال از راه نامشروع است، ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری اشعار می‌دارد: "هر کس به هر نحوی از انحاء، امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌شود، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود، در معرض خرید و فروش قرار دهد یا از آن سوء استفاده نماید یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید، مرتکب تقلب شود یا به‌طور کلی مال یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال، به مجازات حبس از سه ماه تا ۲ سال یا جریمه نقدی معادل دوبرابر مال به‌دست‌آمده محکوم خواهد شد."

بنابراین چنانچه پزشک یا کادر درمانی با وعده‌های دروغین و فریبنده نظیر، تخصصی دارد که پزشک دیگری ندارد یا این که حتماً می‌تواند بیمار را نجات دهد، بیمار را به دادن مبالغ مازاد بر تعرفه وادار سازد، مشمول جرم "کلاهبرداری" نیز قرار می‌گیرد. ضمن این که تخلف زیرمیزی جنبه انتظامی (تخلف صنفی و انضباطی) داشته و حسب مورد مشمول اقدامات و مجازات‌های مربوط (مانند عزل و لغو پروانه) می‌شود؛ به موجب "شیوه‌نامه اجرایی بسته نظارتی اجرای کتاب ارزش نسبی خدمات سلامت" هر گونه دریافتی بالاتر از سقف تعرفه خدمات سلامت مصوب هیات محترم وزیران به هر صورت از جمله قید خدمات ارایه‌نشده در صورت حساب بیمار، دریافت هر گونه وجه بدون این که رسید رسمی ارایه شود و هر گونه دریافتی خارج از بیمارستان‌ها و مراکز جراحی محدود بابت ارایه خدمات در این موسسات، همچنین عقد هر گونه قرارداد یا پرداخت بالاتر از تعرفه‌های مصوب هیات محترم وزیران توسط سازمان‌های بیمه‌گر پایه و تکمیلی و سایر نهادهای حمایتی و سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی خریدار خدمات سلامت و هر گونه تبانی مالی بین موسسات و مراکز ارایه‌دهنده خدمات سلامت به ضررگیرندگان خدمات، به‌عنوان تخلف قلمداد می‌شود.

به هر روی، با پذیرش و نهادینه‌شدن پدیده شوم زیرمیزی، جامعه به‌نوعی درگیر اختلاف طبقاتی و تبعیض می‌شود و رعایت عدالت کم‌رنگ خواهد شد؛ به گونه‌ای که انحلال و نابودی تمام جامعه را فرا می‌گیرد. امام‌علی<sup>(ع)</sup> در این باره در نامه ۷۹ می‌فرماید: "اما بعد،

خواهد بود. صدق اتلاف در منافع مستوفات و تسبیب در منافع غیرمستوفات، دارای وجاهت عرفی است؛ چرا که "تفویت" عرفاً از مصادیق اتلاف محسوب شود و بعید نیست که نیازی به صدق عناوین اتلاف و تسبیب هم نباشد و عنوان تفویت خود عنوان مستقلی برای موجبات ضمان به حساب آید<sup>[30]</sup>.

بدین‌سان، زمانی که شخصی مالی را با عقد فاسد به دست می‌آورد، هرچند غاصب نیست، اما ضامن و ید او ید ضمانی است؛ پس در حکم غاصب است<sup>[7]</sup>. حال اگر این تصرف نامشروع از روی عمد و قصد باشد از مصادیق غصب و دارای مسئولیت کیفری است، در حالی که تصرف غیرعمدی تنها مشمول مسئولیت مدنی می‌شود<sup>[30]</sup>. لیکن ماده ۲۶۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "... اگر کسی چیزی به دیگری بدهد، بدون این که مقروض آن چیز باشد، می‌تواند آن را استرداد کند." افزون بر آن، ماده ۳۰۱ نیز اشعار می‌دارد: "اگر کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است، دریافت کند، ملزم است آن را به مالک تسلیم نماید."

این در حالی است که بنا بر ماده ۳۰۸ قانون مزبور، غصب، استیلا بر حق غیر به نحو عدوان است؛ حال اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز قانونی هم در حکم غصب است. از این رو، ماده ۳۰۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "کسی که مالی را به غیر حق دریافت کرده است، ضامن عین و منافع آن است، اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل". البته ناگفته نماند، در صورتی که متصرف جاهل به عدم استحقاق خود باشد و مالک با رضایت خود مال را به او داده است، متصرف مسئول منافع غیرمستوفات نیست<sup>[26]</sup>.

قانون مدنی ایران در ماده ۳۲۰ به‌صراحت از نظر مشهور فقیهان امامیه پیروی کرده و منافع را مطلقاً قابل مطالبه دانسته است. افزون بر آن، به انضمام حرمت حکم تکلیفی و نهی شارع نسبت به آن، حکم وضعی ضمان نسبت به استیلائی مال قابل استنباط است. پس با استناد به قاعده ضمان ید، شخصی که بر مال غیر بدون اجازه یا مجوز قانونی، مستولی باشد، نسبت به رد عین به مالک و در صورت تلف نسبت به مثل یا قیمت مال، مسئول بوده و بدون مستردکردن عین یا مثل یا قیمت، ذمه بری نمی‌شود.

گفتنی است که هرگاه مال مورد استیلا، ناقص یا معیوب شده باشد، غاصب باید علاوه بر رد عین، تفاوت صحیح و معیوب (ارش) را به صاحب مال پرداخت کند. اما اگر مال مغضوب چنان تغییر کند که عرفاً نام اولیه خود را از دست بدهد، در این مورد هم غاصب ضامن پرداخت مثل یا قیمت آن است<sup>[31]</sup>. قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه در ماده ۳۳۰ مقرر می‌دارد: "اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت حیوان را بدهد."

بنابراین با استناد به قاعده علی‌البد، انسان (غیرمأذون) نسبت به مالی که از دیگران در دست دارد، ضامن است. پس وقتی که انسان ضامن شیء شد، آن شیء جزء تعهدات انسانی محسوب می‌شود؛ از این رو، آنچه را کسب نموده در ذمه او قرار می‌گیرد؛ لیکن در ارتباط

بی‌تردید نادیده‌انگاشتن پیمان خداوند توسط مردم و نشناختن حق پروردگار و روی‌آوری به خدایان دروغین و تسلیم خواسته‌های شیطانی شدن یکی از اهداف بعثت رسولان است که امام علی<sup>(ع)</sup> در بخشی از خطبه اول نهج‌البلاغه در این باره می‌فرماید: "خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش‌شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت خدا را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند".

از این رو در آیه ۲۰ سوره مبارکه رعد خداوند در تبیین ویژگی افراد پایبند به عهد الهی می‌فرماید: "الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْعِمَّاتِاقَ؛ آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند". البته عهد الهی دربردارنده معنی وسیعی است؛ به‌گونه‌ای که هم شامل عهدهای فطری و پیمان‌هایی که خدا به مقتضای فطرت از انسان می‌گیرد، نظیر فطرت توحید و عشق به حق و عدالت می‌شود، هم پیمان‌های عقلی، یعنی آنچه را که انسان با نیروی تفکر و اندیشه و عقل از حقایق عالم هستی و مبدا و معاد درک می‌کند، هم پیمان‌های شرعی، یعنی آنچه را که پیامبر<sup>(ص)</sup> از مومنان در رابطه با اطاعت فرمان‌های خداوند و ترک معصیت و گناه گرفته است. افزون بر آن، وفا به پیمان‌هایی که انسان با دیگر انسان‌ها می‌بندد نیز در این مجموعه وارد است؛ چرا که خدا فرمان داده که این پیمان‌ها نیز محترم شمرده شود؛ پس هم در پیمان‌های تشریحی و هم در پیمان‌های عقلی داخل است<sup>[32]</sup>.

بدین‌سان، آنچه برای تحکیم روابط اجتماعی و برقراری عدالت و دوری از هر گونه تبعیض، از پایبندی به عهد و میثاق با خداوند قابل اثبات است، پذیرش امامت و رهبری و پایبندی نسبت به عهد و میثاق با رهبران دینی و به‌طور متقابل تعهد امام در قبال مردم و نیز مردم نسبت به همدیگر است. از این رو، با عنایت به این که رهبران دین، مرجع احکام و امور دینی مردم (مقلدان) هستند، موظفند از حوزه مسئولیت خود حمایت کنند و متعهدند که پاسدار احکام و حدود الهی باشند. بارزترین چهره امامت و رهبری پس از رسول‌الله<sup>(ص)</sup> در بیان این مسئولیت در خطبه سوم نهج‌البلاغه می‌فرماید: "... و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، ...".

شایان ذکر است که امام<sup>(ع)</sup> در این سخن، تاکید بر عهد و میثاقی دارد که خداوند با عالمان نموده و آنان را مکلف ساخته است که شاهد تبعیض و بی‌عدالتی و شکم‌خوارگی ستمگران و گرسنگی و فقر محرومان ستم‌کشیده نباشند. واژه "علما" در گفتار امام به‌عنوان عهده‌دار این مسئولیت، مطلق است و شامل کلیه کسانی است که بار علم را بر دوش می‌کشند و از اسلام و سرنوشت مسلمین شناخت و آگاهی دارند که به نظارت دولت اسلامی و پایبندی به تعهدات خویش در پیشگاه ملت تسری می‌یابد. از دیگر سو، بر مردم نیز

همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه‌دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند". بنابراین در ضرورت برپایی عدالت اجتماعی آن امام همام<sup>(ع)</sup> در خطبه ۱۵ می‌فرماید: "به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج‌شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است".

بدین‌سان، قانونگذار به‌منظور نشر عدالت اجتماعی و ممانعت از تبعیض و ثروت‌های بادآورده، مقررات مختلفی را تدوین و فراهم نموده است؛ به‌گونه‌ای که اصل ۴۹ قانون اساسی بیان می‌دارد: "دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او به بیت‌المال بدهد".

### تمهیدات و سازوکارهای مقابله با اخذ هزینه مازاد بر تعرفه

برقراری عدالت و مساوات و عدل‌گستری در میان مردم، به‌ویژه برافراشتن عدالت اجتماعی و در نتیجه عدالت اقتصادی در گرو رعایت و اجرای اصول و قواعدی است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم:

#### ۱- رعایت وفای به عهد

یکی از فرایض و از جمله آداب معاشرت و حسن سلوک با مردم که به‌عنوان مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر شناخته شده است و در وجود انسان ریشه فطری دارد، پایبندی به عهد و میثاق است؛ به‌گونه‌ای که امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه ۵۳ در این باره می‌فرماید: "هیچ يك از فرایض الهی مانند وفای به عهد نیست که مردم به همه خواسته‌های گوناگون و دیدگاه‌های مختلف، بیشتر بر آن اتفاق نظر داشته باشند". در واقع، عهد و پیمان و عمل به آن، از دسته اموری است که به‌طور معمول، در مقابل تکلیفی نیز مستقر می‌شود. از این رو، در آیات متعدد قرآن کریم، نظیر سوره مبارکه اعراف آیه ۱۷۲ به بعد نمود آن در قالب توحید فطری و وجود ایمان به خداوند در اعماق روح آدمی تجلی می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که هر عمل و رفتاری که حق توحید و خداشناسی را زیر پا گذارد، نادیده‌گرفتن عهد الهی به شمار می‌آید. لیکن خداوند می‌فرماید: "أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ این کار را خداوند به این جهت انجام داد که در روز قیامت نگوئید ما از این موضوع (توحید و شناسایی خدا) غافل بودیم". در آیه بعد نیز اشاره به هدف دیگر این پیمان شده، آنجا که آمده است: "أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ؛ این پیمان را به‌خاطر آن گرفتیم که نگوئید: پدران ما پیش از ما بت‌پرست بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم و چاره‌ای جز تبعیت از آنها نداشتیم، آیا ما را به گناه افراد بی‌هوده‌کار مجازات می‌کنی".

و رفع فقر در جامعه و به بیان دیگر بهره‌مندی همه افراد از امکانات موجود در یک جامعه به تناسب ظرفیت‌ها، در چارچوب و محوریت عدالت اجتماعی استحکام می‌یابد که این مهم نیز مستلزم رشد و توسعه فرهنگ و اخلاق عدالت‌محور در جامعه است؛ به گونه‌ای که خداوند در آیه ۹۰ سوره مبارکه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ خدا به عدالت و نیکوکاری فرمان می‌دهد». در واقع در کنار سخن از عدالت، سفارش به احسان شده است؛ چرا که احسان صرف نظر از این که مایه اصلاح مسکینان، بیچارگان و درماندگان، همچنین نشر و گسترش رحمت و ایجاد محبت است، آثار نیک دیگری دارد که به خود نیکوکار برمی‌گردد، چون باعث می‌شود ثروت در اجتماع به گردش درآید و امنیت عمومی و سلامتی حاکم شده و موجب تحبیب قلوب شود<sup>[15]</sup>.

بدین‌سان استفاده می‌شود که یکی از مولفه‌های رفع نیاز و احتیاج و کمک به هم‌نوع، مال و ثروت است که راه دستیابی به آن، گرایش به کسب و کار و ارتزاق حلال و دوری از خمول و سستی و فقر بر پایه نظام اقتصادی سالم، یعنی نظامی معتدل و میانه‌رو است. از این رو نه‌تنها با استناد به آیه ۳۹ سوره مبارکه نجم، کار و کوشش مورد اهمیت واقع شده، آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و این که انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نخواهد بود»، بلکه با ایجاد ملکیت، حریم و حدود آن با آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء محدود می‌شود، همان گونه که آمده است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ اموال خود را به باطل نخورید». از این رو تعیین حق مردم در اموال مشترک، اموال خصوصی و مبادلات- انتقال اموال- و همچنین تعیین حق خود مال در چارچوب موازین اسلامی، موضوع عدالت اقتصادی را تشکیل می‌دهد که بر زیربنایی به‌نام اخلاق اقتصادی استوار است.

شایان ذکر است که عدالت اقتصادی به‌منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برقرار می‌شود؛ زیرا در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه ایجاد نمی‌شود و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد؛ لیکن فاصله میان اقشار اجتماعی بیشتر خواهد شد. اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و وجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار می‌گیرد. از دیگر سو، مراعات عدالت و حقوق ضعیفان و محرومان باعث خواهد شد فقر مطلق در جامعه از بین برود و کسی به‌خاطر عدم رفع نیازهای اساسی اقتصادی آسیب نبیند. البته فراهم‌آوری شاخه‌ای از عدالت اجتماعی، یعنی عدالت اقتصادی (مراعات حقوق اقتصادی) در گرو ارتقای فرهنگ و اخلاق اقتصادی است؛ به گونه‌ای که بشر در عین ارائه خدمات به تمامی اقشار جامعه انسانی، کار و تلاش را به‌منظور تهیه مایحتاج زندگی از راه حلال ملک عمل قرار می‌دهد که این مهم در سطره تهذیب نفس و تقویت ملکه نفسانی ظاهر می‌شود؛ یعنی انسان به مرحله‌ای

واجب است با الهام از وفاداری نسبت به عهد الهی، ولایت رهبر را بپذیرند و به عهد خویش نسبت به ایشان پایبند باشند. بنابراین در تبیین حقوق متقابل زمامداران و مردم در خطبه ۳۴ آمده است: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است؛ حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید». آن‌گاه بنا بر خطبه ۲۱۶ امام، با عزت‌یابی حق در جامعه، پایداری راه‌های دین و برقراری عدالت و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> همراه خواهد بود که در غیر این صورت، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار می‌شود، نیرنگ‌بازی در دین فراوان شده و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> متروک می‌شود و هواپرستی و تعطیلی احکام دین و بیماری‌های دل افزون خواهد شد.

به هر روی می‌توان اذعان داشت که وفای به تعهدات و پیمان‌ها در جامعه اسلامی یک قاعده اصیل اخلاقی و لازمه صداقت و ایمان و اخلاص و حمایت از حقوق جامعه و افراد آن تلقی شده و شامل همه افرادی است که طرف پیمانند؛ لیکن با اجرای آن زمینه رشد و توسعه فراهم می‌شود و جامعه مبدل به مدینه فاضله‌ای خواهد شد که مانع از ابتلا به گناه و پیروی از هوی و هوس است و افراد از ستم‌کردن به یکدیگر بازداشته می‌شوند؛ زیرا توحید و ایمان به خداوند و ارزش‌نهادن به کرامت انسانی آرامش و ثبات را در جامعه حاکم می‌کند که این مهم در معضل اخذ هزینه مازاد بر تعرفه تبلور و نمود بیشتری می‌یابد. در واقع با وفانمودن به عهدی که انسان به خداوند و رهبری دارد، تعهدی را نیز که نسبت به دیگر اقشار جامعه خواهد داشت به شیوه مطلوبی اجرا خواهد کرد. بنابراین چنانچه ملاک عمل، خدمت به خلق باشد و سلامت اشخاص مورد اهمیت واقع شود، رجوع به «اکل مال به باطل» محو می‌شود. بی‌تردید در مقابل، تعهد دولت را نیز در مقابل می‌طلبید؛ چرا که تسریع در روند و میزان پرداخت تعرفه‌ها می‌تواند از ترویج و گسترش این معضل رو به رشد ممانعت نماید. از دیگر سو، در صورت گرایش به آن، استرداد به پرداخت‌کننده امری مسلم خواهد بود؛ همان گونه که در اهمیت نسبت به پرداخت دیون مردم بنا بر حکمت ۴۴۶ نهج‌البلاغه، امام به پدر فرزندق، غالب بن صعصعه فرمود: «شتران فراوانت چه شده‌اند؟ پاسخ داد: ای امیر مومنان، پرداخت حقوق آنها را پراکنده ساخت. امام فرمود: این بهترین راه مصرف آن بود».

## ۲- ارتقای فرهنگ و اخلاق اقتصادی

در مکتب اسلام همان گونه که هیچ یک از مسایل عقیده‌ای، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، رعایت و اجرای عدل و انصاف به‌عنوان یکی از پایه‌ها و بنیان‌های قوام اجتماع بشری معرفی شده است که به‌نوعی وجوب رعایت عدالت بر همگان خواه مسلمان یا غیرمسلمان را به اثبات می‌رساند؛ لیکن توزیع عادلانه خدمات، تامین رفاه نسبی، مشارکت

و سرزنش‌کننده‌ترین دوست خواهند بود". همچنین در مذمت تمایل به خوردن مال حرام و سقوط در پرتگاه نیستی از طریق دریافت‌های نامتعارف، در نامه ۷۹ نهج‌البلاغه آمده است: "کسانی که قبل از شما بودند به این دلیل سقوط کردند که مردم را از حقوق خود باز می‌داشتند، مردم هم ناگزیر بودند حق خود را بخزند و از طریق باطل (رشوه) حق خود را باز گیرند، طبقه بعد هم آمدند و از گذشتگان تقلید کردند".

### ۳- ارتقای آگاهی نسبت به حقوق شهروندی

هر یک از شهروندان به‌عنوان عضوی از جامعه انسانی همواره در حوزه‌های مختلف از حقوقی برخوردارند که به نوعی با کرامت انسانی و هدفمندبودن بشر در ارتباط مستقیم است. در مقابل، وظایف و تعهداتی استقرار می‌یابد که متضمن دخالت‌های مسئولانه در روندهای اجتماعی است، به گونه‌ای که افراد از مفاسد نپی و نسبت به مصالح ترغیب می‌شوند؛ لیکن با وجود یکسان‌بودن حقوق، چگونگی و نوع عمل و رفتار، می‌تواند عاملی در کسب فضیلت انسانی بر دیگری شود. از این رو، خداوند در سوره اعراف آیه ۱۵۷ می‌فرماید: "يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُ لُهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْزَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ آنها را به هر کار پسندیده فرمان می‌دهد و از هر کار زشت باز می‌دارد و پاکیزه‌ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حلال می‌کند و ناپاک و پلیده‌ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حرام می‌کند". افزون بر آن، امام علی<sup>(ع)</sup> در خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه به‌صراحت به تبیین حقوق متقابل افراد پرداخته و این حقیقت را یادآور شده است که هر کجا حقی ظهور می‌یابد، تکلیفی پیدا می‌شود و حق و تکلیف لازم و ملزوم همدیگرند و هیچ گونه حق یک‌طرفه برای کسی وجود ندارد، جز خداوند متعال که او را حقی است، اما حقی بر او نیست. البته خدای سبحان از سر بخشندگی، در ازای ادای حق خود که اطاعت اوست، برای مردمان دوچندان یا بیشتر پاداش قرار داده است.

بنابراین هر شهروند از حقوق اجتماعی ناظر بر حق برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند است که به‌عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به ایشان تعلق می‌گیرد، از قبیل عدالت اجتماعی (برابری در فرصت‌ها)، حق برخورداری از یک استاندارد آموزشی (تعلیم و تربیت)، استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و سایر خدمات اجتماعی که تلاشی در تأمین سلامت و بهره‌مندی از حق حیات به‌عنوان بنیادی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق انسانی که در نتیجه تکالیفی نیز شکل می‌گیرد. ماده دوم حقوق شهروندی نیز بر این مهم تصریح دارد که شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن نظیر آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند؛ البته به موجب ماده ششم، ضرورت دارد دولت همه امکانات خود را به‌منظور تأمین شرایط لازم برای بهره‌مندی از این حق به کار گیرد و با مفاسد اخلاقی نظیر

می‌رسد که هرگاه احساس خطری نمود، تقوای الهی را پیشه عملکرد خویش قرار می‌دهد. از این رو خداوند متعال در آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه شمس می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ هر کس نفس خویش را پاک و تزکیه نموده رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم شده است".

اصطلاح تقوا یا خودنگهداری در میان سخنان پرنغز و معنی مولا علی<sup>(ع)</sup>، گل‌واژه سعادت است؛ به‌گونه‌ای که در خطبه ۱۵۷ نهج‌البلاغه آمده است: "تقوا حصار و دژی محکم و غیرقابل تسلط است و بی‌تقوایی و هرزگی و گناه حصار و بارویی پست است که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و کسی که به آن پناه ببرد، حفظ نمی‌کند. آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد". از این رو، در پرتو تقوای الهی، وفای به عهد و پیمان قوت می‌یابد، به گونه‌ای که امام‌صادق<sup>(ع)</sup> در این باره فرمودند: "مومن برادر مومن و مانند چشم و راهنمای اوست، به او خیانت نمی‌کند و ستم روا نمی‌دارد و او را فریب نمی‌دهد و به او وعده‌ای نمی‌دهد که تخلف کند"<sup>[20]</sup>.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که در ارتباط پزشک یا دیگر فعالان عرصه پزشکی و پیراپزشکی با بیمار، رشد و پرورش فضایل اخلاقی بر پایه تقوا می‌تواند عاملی باشد که از پرداخت‌های نامتعارف و دریافت‌های غیرمعقول و غیرمنطقی ممانعت نماید؛ چرا که دریافت این مبالغ نیز معلول غیرواقعی‌بودن تعرفه و درآمد برخی پزشکان است. در واقع معضل گرفتن زیرمیزی به چالشی جدی تبدیل شده که می‌تواند به حوزه سلامت آسیب وارد کند و متأسفانه این پدیده به گونه‌ای علنی شده که گروه دریافت‌کنندگان بدون هیچ ابایی از گناهی که دربردارد حتی با ارایه شماره حساب خواهان واریز مبالغ کلان از سوی بیماران هستند؛ لیکن از یک سو، خداوند در آیه ۱۵ سوره مبارکه المومنون بر ضرورت دریافت مال حلال و طیب و اعمال و کردار شایسته تأکید دارد و می‌فرماید: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا؛ از همه پاکیزه‌ها (ی جهان از خوراکی، پوشاکی، آب، هوا، فضا، گیاه و غیره به‌عنوان تعلیم قافله بشری) برخوردار شوید و کارهای شایسته کنید". البته گویا مراد از خوردن از طعام‌های پاکیزه، ارتزاق و تصرف در آن باشد، خواه به خوردن یا به هر تصرف دیگر باشد؛ در واقع دو اصل، یعنی حلال‌بودن و طیب و پاکیزه‌بودن در خوردن هر نوع غذا شرط لازم است؛ لیکن توفیق عمل صالح در گرو تغذیه حلال و پاکیزه است<sup>[15, 33]</sup>. از دیگر سو، به‌منظور ترویج فرهنگ و اخلاق عدالت‌محور و در نتیجه عدالت اقتصادی، در نهی هر گونه پرداخت وجه غیرشرعی و غیرقانونی امام‌علی<sup>(ع)</sup> در خطبه ۱۲۶ می‌فرماید: "آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است ... کسی که مالش را در راهی که خدا اجازه فرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آنها را متوجه دیگری ساخت؛ پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان شود، بدترین رفیق

افزوده می‌شود به دلایل گوناگونی همچون تفاوت تعرفه‌های پزشکی در بیمارستان‌های مختلف رخ می‌دهد؛ مثلاً خدمتی که در بیمارستان دولتی با هزینه کمی ارائه می‌شود، ممکن است در بیمارستان‌های خصوصی با هزینه‌ای بسیار بیش از این مقدار صورت پذیرد. همچنین اتلاف وقت و زمان‌بر بودن خدمات پزشکی در بیمارستان‌های دولتی دلیل دیگری است که باعث شکاف در ارائه خدمات بیمارستانی دولتی و خصوصی و گرایش پزشکان به این امر می‌شود. البته با به‌کارگیری و استمداد آموزه‌های ارزشمند فقه اسلام و پرننگ‌ترنمودن فقه پزشکی و توجه به آثار و پیامدهای "اکل مال به باطل" به‌ویژه حق مطالبه خسارت مادی و معنوی برای بیمار یا اولیای وی، همچنین افزایش تعرفه‌های پزشکی با عنایت به نوع تخصص و درمانی که در برابر آن صورت می‌پذیرد؛ از دیگر سو، تسریع در روند پرداخت آنها و قراردادن سهمی از این تعرفه‌ها از صندوق پس‌انداز دولت، از فراهم‌شدن شرایط اضطرارگونه برای بیمار، می‌توان به‌نوعی کاست. از این رو برخورد جدی و به‌کارگیری مقررات در مورد پزشکانی که با زیرپا گذاشتن قانون و اصول انسانی از بیماران خود هزینه مازاد بر تعرفه درخواست می‌کنند، هرچند که شمار آنان اندک باشد از بایسته‌های اجرای قانون در نظام سلامت کشور است که می‌تواند در گسترش این پدیده ناروا موثر باشد. افزون بر آن، به‌منظور حذف یا کاهش فساد و اختلال در نظم و منافع جامعه به‌دنبال آن، نیاز به برنامه‌های اساسی و همه‌جانبه‌ای است که با تاثیر بر فرهنگ عمومی و ابعاد آن به‌ویژه ارتقای فرهنگ و اخلاق اقتصادی و پایبندی به تعهدات و پرننگ‌نمودن نقش امر به معروف و نهی از منکر بتوان از بروز فساد و بی‌نظمی در جامعه پیشگیری نمود؛ ضمن این که برای واقعی‌شدن تعرفه‌ها، سازمان‌های بیمه‌گر باید تقویت شوند؛ چرا که تقویت سازمان‌های بیمه‌گر، اخذ هزینه‌های اضافی را نسبت به مردم کاهش خواهد داد. همچنین اگرچه تعیین تعرفه‌های درمانی در راستای کاهش هزینه‌ها و حمایت از حقوق بیمار است؛ لیکن درباره برخی خدمات نظیر خدمات انحصاری که هزینه‌های غیرقابل اجتنابی در بر دارد یا نوع درمانی که هیچ یک از مراکز حاضر به انجام آن به نرخ دولتی یا تعرفه‌های موجود نیستند یا این که نقض شده و مخارج سنگینی را بر بیماران تحمیل می‌کنند، مانند جراحی‌های پلاستیک و زیبایی که در صورت تعیین تعرفه و امتناع مراکز درمانی در انجام آنها، آثار منفی بر جسم و روح و روان بیماران خواهد داشت و غیرواقعی بودن تعرفه‌ها یا عدم تعیین تعرفه مشخص برای نوعی از خدمات، آن‌گاه به ارائه‌دهندگان اجازه می‌دهد که حق‌الزحمه‌ای مازاد بر نرخ‌های معین قانونی دریافت دارند که مستلزم نظارت سازمان‌ها و ادارات مربوطه و نیازمند وضع قوانین و مقررات اختصاصی در این زمینه است. به هر روی هر چند در ایران پرداخت زیرمیزی، غیرقانونی محسوب می‌شود، اما متأسفانه گرایش به سوی آن از سوی برخی پزشکان و پذیرش آن از سوی برخی بیماران به نسبت بالا است؛ به گونه‌ای که به یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیز نظام سلامت تبدیل شده است که بر توزیع نظام عادلانه بهداشتی تأثیر منفی خواهد

دروغ، بی‌تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه کند و نیز مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی ضرورت دارد از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، برای یکایک افراد کشور، خدمات و حمایت‌های مالی را تامین نماید. بدیهی است به موجب مواد هفتم و هشتم منشور حقوق شهروندی، از آنجا که شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی‌شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند، اعمال هر گونه تبعیض ناروا به‌ویژه در دسترسی آنان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است و دولت باید از هر گونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی خودداری نماید. همچنین با استناد به مواد یکم و دهم منشور حقوق بیمار، این حق بیمار است که در کنار احترام کامل و بدون توجه به عوامل نژادی، فرهنگی و مذهبی، مراقبت مطلوب و موثر را از گروه درمان دریافت نماید و از میزان تعرفه‌ها و پوشش بیمه‌ای خدمات در مرکز درمانی مطلع باشد که بی‌تدرید این مهم مستلزم ارتقای آگاهی هر شهروند از حقوق خویش است که از اجابت به مطالبات نامشروع ممانعت خواهد نمود، ضمن این که نظارت اجتماعی منسجم و منظمی را نیز می‌طلبد تا با این‌گونه معضلات برخورد شود، لیکن از آنجا که پیشگیری بهتر از درمان است، به‌منظور پیشگیری از نقض حقوق شهروندی، به‌ویژه بیمار و ممانعت از انحراف مسیر هدایت و گسترش پدیده رو به رشد دریافت هزینه مازاد بر تعرفه که در نظام سلامت به‌عنوان آسیب اجتماعی قابل شناسایی است، عملی‌نمودن امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک نظارت همگانی می‌تواند نقش موثری ایفا نماید. همان‌گونه که امام<sup>(ع)</sup> در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه، به عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان و یادآوری دوردن آنان از رحمت الهی به سبب ترک امر به معروف و نهی از منکر توجه می‌دهند و می‌فرمایند: "مردم، از مثل‌های قرآن درباره کسانی که عذاب و کیفر شدند و روزهای سخت آنان و آسیب‌های شدیدی که دیدند، آگاهید؛ پس وعده عذاب خدا را دور مپندارید، و به عذر این که آگاهی ندارید، خود را گرفتار نسازید و انتقام خدا را سبک و خود را از کیفر الهی ایمن مپندارید؛ زیرا خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر. پس خدا بی‌خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک بازداشتن دیگران از گناه لعنت کرد."

### نتیجه‌گیری

از مباحث این نوشتار محرز می‌شود که علم پزشکی به لحاظ ارزش، همسان با علم الهیات در نظر گرفته شده و لزوم حفظ حرمت و قداست این حرفه توسط پزشکان به‌کرات مورد تأکید است. اما امروزه اقدام به اعمالی نظیر دریافت‌های نامتعارف و به بیان دیگر زیرمیزی، باعث نقض ارزش و تعهد اولیه در مقابل بیمار شده است که با نظام عدالت‌محور امام‌علی<sup>(ع)</sup> همسو نیست. چنین پدیده غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرشرعی که متأسفانه هر روز بر دامنه آن

/The World Bank); 2002.

13- Tomini S, Maarse H. How do patient characteristics influence informal payments for inpatient and outpatient health care in Albania: results of logit and OLS models using Albanian LSMS 2005. BMC Public Health. 2011;11:375.

14- Al-Raqeb al-Esfahani Hossein ibn Mohammad. Singular words of Quran (Mofradat-o-alfaz al-Quran). 1<sup>st</sup> Edition. Beirut: Dar al-Shamiyah; 1996. [Arabic]

15- Tabatabaei MH. The balance commentary (Tafsir-e-almizan). Mousavi Hamedani MB, translator. Volumes 2, 12 and 15. Qom: Islamic Publishing Office; 1995. [Arabic - Persian]

16- Mousavi Khoei A. The light of jurisprudence (Mesbah al-feqahah). Volumes 2. 4<sup>th</sup> Edition. Qom: Ansarian; 1996. [Persian]

17- Fazel Meqdad A. Treasure of mysticism (Kanz al-irfan). 5<sup>th</sup> Edition. Tehran: Murtazavi; 2004. [Arabic]

18- Makarem Shirazi N. The lights of jurisprudence- buy (Anwar al-feqhaha- al-bay'). Qom: Publications of School of Imam Ali Ibn Abi Talib; 2004. [Arabic]

19- Ameli Zein al-Din ibn Ali. The bright garden (Al-roza al-bahiyah). Volume 7. 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Davari Bookstore; 1989. [Arabic]

20- Koleini Mohammad ibn Yaqoob. The adequate principles (Usul al-kafi). Volumes 2 and 8. 4<sup>th</sup> Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia; 1986. [Arabic]

21- Hor Ameli M. Tools of Shia (Wasael al-Shia). Volumes 5, 6 and 15. 1<sup>th</sup> Edition. Qom: Al al-Bayt Institute; 1988. [Arabic]

22- Safi Golpayegani L. Collector of rulings (Jame al-ahkam). Volume 2. 3<sup>rd</sup> Edition. Qom: Publications of Hazrat Masoumeh Salam Allah; 2001. [Persian]

23- Hosseini Kamenei SA. The answers to the questions (Ajvabat al-estefta'at). Volume 2. 1<sup>st</sup> Edition. Beirut: Dar al-Hagh; 1996. [Arabic]

24- Movahedi Lankarani F. Collector of issues (Jame al-masa'el). Volume 2. 11<sup>th</sup> Edition. Qom: Amir; 2003. [Persian]

25- Naraqhi Ahmad ibn Mohammad Mahdi. Documentary of Shia (Mostaned al-shi'a). Volume 15. 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Al al-Bayt Institute; 1994. [Arabic]

26- Emami H. Civil rights. Volume 1. 30<sup>th</sup> Edition. Tehran: Islamiyya Publications; 2010. [Persian]

27- Noori Hossin ibn Mohammadtaghi. The compensated of tools (Mostadrak al-wasael). Volume 17. 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Al al-Bayt Institute; 1987. [Arabic]

28- Naraqhi Ahmad ibn Mohammad Mahdi. Earnings of the days (Ava'ed al-'ayyam). 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Publications of Office Islamic Propaganda of Qom Seminary; 1996. [Arabic]

29- Esfehiani Qeravi MH. Sales Professions (Makaseb al-bay'). Volume 1. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1992. [Arabic]

30- Mohaghegh Damad M. The rules of jurisprudence. Volumes 1 and 4. 12<sup>th</sup> Edition. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 2004. [Persian]

31- Najafi MH. Jewelry of the words (Jawaher al-Kalam). Volume 37. 7<sup>th</sup> Edition. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi; 1981. [Arabic]

32- Makarem Shirazi N. The ideal commentary (Tafsir-e nemooneh). Volume 10. 1<sup>st</sup> Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh; 1995. [Persian]

33- Qara'ati M. The light commentary (Tafsir-e noor). Volume 6. 11<sup>th</sup> Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran; 2004. [Persian]

گذاشت. از این رو به منظور دسترسی عادلانه به خدمات بهداشتی و درمانی و نهادینه شدن برخورد و فرهنگ صحیح نسبت به این عمل قبیح و از بین رفتن تشویش و نگرانی نسبت به مورد توجه نبودن بیمار از سوی پزشک، ارتقای سطح دانش و آگاهی بیمار به عنوان یک شهروند از منشور حقوق بیماران و حقوق شهروندی ضرورت دارد. ضمن این که با وضع منشور اخلاقی برای پزشکان در این زمینه و با پررنگ نمایان کردن قبح اخلاقی آن به کارکنان حیطه پزشکی و پیراپزشکی از بروز بیشتر این معضل ممانعت به عمل آید.

**تشکر و قدردانی:** موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

**تاییدیه اخلاقی:** موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

**تعارض منافع:** موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

**منابع مالی:** موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

## منابع

- 1- Setayesh M, Nakhaei N, Rohani AA. Reviewing people's opinions about informal payments to Kerman physicians. J Ethics Sci Technol. 2008;2(3-4):81-8. [Persian]
- 2- Parsa M, Larijani B, Aramesh K, Nejat S, Fotouhi A, yekaninejad S, et al. Informal payments in Iran: a cross-sectional study prior to implementation of the health system reform. Med Ethics Hist Med. 2017;9(6):34-47. [Persian]
- 3- Noormohammadi GR. Investigation of the phenomenon of bribery in medicine. 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Feqh Publications; 2012. [Persian]
- 4- Aboutorabi A, Dehghan Simakani M, Rezapour A, Ghiasipour M. Analysis of factors affecting the health care informal payments to physicians in public and educational hospitals affiliated Iran University of Medical Sciences. World J Extens Manag. 2016;2(2):85-92. [Persian]
- 5- Karimi N. The ruling on extra medical money received by doctors (Kickbacks) in state medical centers from jurisprudence and law viewpoint. Iran J Med Law. 2016;10(37):149-70. [Persian]
- 6- Mousavi Bojnordi H. Jurisprudential rules (Al-Qawaed al-fiqhiyyah). Volumes 1-2. 1<sup>st</sup> Edition. Qom: Nashr-e al-Hadi; 1998. [Arabic]
- 7- Mousavi Khomeini R. Writng of tool (Tahrir al-wasilah). Volume 2. 6<sup>th</sup> Edition. Qom: Dar al-Elm; 1995. [Arabic]
- 8- Bahr al-'Ulum Mohammad ibn Mohammadtaghi. The eloquence of jurisconsult (Balaqat al-faqih). Volume 2. 4<sup>th</sup> Edition. Tehran: Maktaba al-Sadegh; 1982. [Arabic]
- 9- Lewis M. Who is paying for health care in Eastern Europe and Central Asia? Washington D.C.: World Bank; 2000.
- 10- Lewis M. Informal payments and the financing of health care in developing and transition countries. Health Aff. 2007;26(4):984-97.
- 11- Stringhini S, Thomas S, Bidwell P, Mtui T, Mwisongo A. Understanding informal payments in health care: motivation of health workers in Tanzania. Hum Resour Health. 2009;7:53.
- 12- Belli P, Shahriari H. Qualitative study on informal payments for health services in Georgia. Washington D.C: Health, Nutrition, and Population (HNP) (The International Bank for Reconstruction and Development